

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1398/02/08



موضوع: مسئله شماره چهارده

مسئله شماره چهارده سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «یعتبر فی تحقق العاده العدویه تساوی الحیضین و عدم زیاده احدهما علی الاخری ولو بنصف یوم او اقل فلو رأّت خمسہ فی الشهر الاول و الثلث او الربع یوم فی الشهر الثانی لا تتحقق العاده من حیث العدد نعم لو كانت الزیاده یصیرتاً لا تضر و کذا فی العاده الوقتیه تفاوت الوقت ولو بثلث او ربع یوم یدرّ و اما التفاوت الیسیر فلا یضر» در این مسئله چهارده سید می فرماید که تحقق عادت عدویه تساوی شرط است در حدی که تغییر نصف روزی هم نباشد اگر یک ماه پنج روز دید ماه دیگر پنج روز و نیم عادت تحقق پیدا نکرده برای اینکه در عادت تحقق کامل شرط است و اگر تحقق کامل نباشد شک در تحقق می شود و شک در تحقق مساوی با عدم تحقق است.

رای مخالف مشهور

در این رابطه رای مخالفی که تقریباً می شود بگوییم خلاف مشهور یا خلاف قریب به اجماع گفته می شود شیخ کاشف الغطاء کبیر شیخ جعفر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: تخلف در عددی یعنی در عادت عدویه به وسیله یک روز کامل صورت می گیرد اما اگر به بعض روز اختلاف وجود داشته باشد ضرری ندارد چون بعض روز روز حساب نمی آید ایام که کامل بود به همان ایام اکتفاء می شود.^[1] بنابراین این رای ای است که ایشان فرموده اند برخلاف متن و رای معروف. شیخ انصاری قدس اله نفسه الزکیه می فرماید: بیان شیخ کاشف الغطاء را که نقل می کند می فرماید: «و هو علی اطلاقه مشکل»^[2] این رای ای که شیخ کاشف

الغطاء فرمود که اگر در عادت عددیه نصف روز اختلاف باشد عیب ندارد با این اطلاق مشکل است یعنی اختلاف در نصف روز کار مشکلی است. سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: صحیح همین است که اختلاف در حد نصف روز در عادت عددیه اختلاف عدم تحقق عادت به وجود می آورد یعنی اگر اختلاف در حد نصف روز باشد عادت محقق نمی شود یک ماه پنج روز و ماه دوم پنج روز و نیم عادت محقق نشده است. برای اینکه شما در مشاهدات تان می بینید مثال می زند اگر کسی بگوید که من از این آقا پنج دینار طلب دارم از آن آقای دیگر پنج دینار و نصف طلب دارم که این دو تا یکی نیست این پنج دینار است آن پنج دینار و نیم است همین است اعداد که آمد عدد یک با عدد یک و نیم فرق می کند لذا در نصوص آمده است تعیین شده است که سه روز مثلاً یا ایام تعیین شده است ایام هرچند روزی که باشد روزها کامل باشد روز اگر کامل نبود فرق نمی کند ناقص بود یا اضافه بود ایام کامل نیست. وانگهی می فرماید: اختلاف یسیر همان طوری که در متن آمده مثلاً چند ساعتی ایشان البته چند ساعت هم نمی گوید ایشان می گوید چند دقیقه، اگر اختلاف در حد چند دقیقه باشد اشکال ندارد برای اینکه اتحاد و وحدت بین ایام وحدت و اتحاد عقلی نیست بلکه عرفی است عقلی که نبود اختلاف چند دقیقه فرق نمی کند. [3] البته یک سوالی در ذهن می آید که اگر اتحاد و معیار عقلی نباشد و عرفی باشد عرف برای نصف روز هم اشکال نمی کند در هر صورت تجاسری به عمل نیاید فرمایش ایشان همان است که فرمودند. تا اینجا که مطلب گفته شد

اما تحقیق

اما تحقیق این است که عدد و رقم یا کمیت که کمیت اعمال به دو قسم است: 1. عمل را به طور تمام به نحو عمل واقعی و متعارف بین مردم اعلام می کند که این می شود عمل شرعی و تحدید آن از سوی عرف است مثلاً می گوید نفقه بدهید واجب النفقه هست حدش را شرع تعیین نکرده این شرع که تعیین نکند می شود به تشخیص عرف، اینجا درست است تشخیص اش عرفی است پس قسم اول آن است که عملی که شرعاً یا تکلیف یا انجام فعلی که از سوی شرع اعلام می شود بدون تحدید است یا با تحدید، اگر بدون تحدید بود حدش را عرف تعیین می کند قسم دوم عمل و فعلی است که شرع خواسته است و اعلام کرده است با تحدید، حد بیان کرده است اگر حد بیان بکند یک قاعده فقهی داریم و آن «لا مسامحه فی التحدیدات» است مسامحه عرفیه در تحدیدات نیست، مثال بارز آن سفر است که مقدار مسافت سفر و مقدار کّر و همین طور تحدید طلوع فجر و مغرب شرعی مسامحه عرفی جا ندارد. عرف می گوید الان وقت اذان شده دیگر، فائده ندارد باید اذان را بشنوید عرف می گوید هنوز صبح نشده بخورید نه این هم فائده ندارد باید تحقیق کنید نظر عرف جا ندارد و به هیچ وجه محترم نیست جایی که تحدید از سوی شرع آمده باشد. گویا در بدو رای اعلام می شود که تحدید آمده پس از آنکه تحدید آمده باشد «لا مسامحه فی التحدیدات» ایام را قطعاً در صورتی که کمتر از یک روز کامل باشد ایام به حساب نمی آید. و گفته می شود اگر ثلاثه ایام گفتیم دو شب هم به مذاق شرع داخل سه روز هست. بنابراین اگر تحدید شده

باشد کم و زیاد می شود ما در عددیه که تحدید را در نظر می گیریم تحدید هم به وسیله اندازه است اشبار و امطار و عدد، اینجا به وسیله عدد و تحدید شده ایام روزها چند روز، بنابراین تحدیدی که به عمل آمده است در این تحدید مسامحه نیست باید دقیق رعایت بشود حتی تفاوت اندکی که گفته شده است هم راه ندارد اما آن تفاوتی که در حد چند دقیقه باشد آن تفاوت را در حقیقت عقلاء منشأ اثر قرار نمی دهد ترتیب اثر نمی دهند آن کالعدم است اگر در حدی بود چند ساعتی بود آن هم خلاف تحدید خواهد شد و اشکال ایجاد می کند. بنابراین دلیل اصلی که در این رابطه گفته می شود ورود تحدید به ایام است و ایام مضبوط ثلاثه ایام، خمسہ ایام، اربعہ ایام باشد. این مطلب تا اینجا تمام شد می فرماید: «نعم لو كانت الزیاده یسیره لا تضرّ» تا عادت عددیه بود «و کذا فی العاده الوقتیه تفاوت الوقت ولو بثلاث او ربع یوم یضرّ» به همان دلیلی که گفتیم «و اما التفاوت الیسیر فلا یضرّ لكن المسئله لا تخلو عن الاشکال فالاولی مراعاة الاحتیاط» همان حرفی که گفتیم سید هم نظرشان آنجاست که تحدید در آن صورتی که اختلاف یسیری هم باشد باید احتیاط رعایت بشود که کار مشکل است بحث تحدید است. تحدید شرعی که بیاید در حقیقت اخذ به تحدید شرعی همان اخذ به تحدید عقلی است. تحدید شرعی با دقت عقلی باید رعایت بشود.

مسئله پانزدهم

مسئله پانزدهم: سید می فرماید: «صاحبه العاده الوقتیه سواء كانت عددیه ایضاً ام لا تترك العبادہ بمجرد رویه الدم فی العاده او مع تقدمه او تاخره یوماً او یومین او ازید علی وجه یصدق علیه تقدم العاده او تأخرها» می فرماید خانمی که صاحب عادت وقتیه است عددیه باشد یا نباشد باید عبادت را ترک کند گویا عزیزمتاً به مجرد رویت دم در عادت که این معلوم است یا با تقدم آن دم یا تاخرش هم به یک روز یا دو روز یا زیادتر ولی این تقدم و تاخر بر وجهی باشد که صدق کند بر او که تقدم عادت است و تاخر عادت است. «و لولم یکن الدم بالصفات و ترتب علیه جمیع احکام الحیض فان علمت بعد ذلک عدم کونه حیضاً لانقطاعه قبل تمام ثلاثه ایام تقضی ما ترکته من العبادات و اما غیر ذات العاده المذكوره کذات العاده العددیه فقط و المبتدئه و المضطره و الناسیه فانها تترك العبادہ و ترتب احکام الحیض بمجرد رویته ان کان بالصفات و اما مع عدمها فتحتاط بالجمع بین تروک الحائض و اعمال الاستحاضه» [4] این مسئله که اگر صاحب عادت وقتیه باشد فعلاً در مورد عادت وقتیه صحبت می کنیم پنجم ماه همیشه عادت می شود و رویت دم دارد می فرماید که به محض رویت دم باید عبادات را ترک کند هرچند با صفات حیض هم نبیند حرارت و غلظت و اسودیت و غیرها. و بعد می فرماید با تقدم و تأخر یک روز دو روز یا زیادتر از آن تا جایی که صدق کند که این عادت همین عادت است یک مقدار جلو آمده یک مقدار عقب افتاده باید این کار را بکند عبادت را ترک کند.

اجماع و نصوص در این باره

در این رابطه اجماع و نصوص، اما اجماع در حدی است که گفته می شود امر متسالم علیه باشد محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «هذا مذهب اهل العلم» [5] این مذهب اهل علم است و بعد هم محقق ثانی می فرماید: «لا خلاف بین العلماء» خلافاً بین علماء در این رابطه وجود ندارد. و بعد محقق ثانی بعد از اجماع می فرماید: «و الاخبار متواتره» [6] اخبار در این رابطه در حد تواتر است. چند تا روایت را یادآور بشوم از جمله روایات صحیح محمد بن مسلم محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه و محمد بن یعقوب عن محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان جمیعاً عن حماد بن عیسی که اگر سند این گونه بود دو طریق است برای یک روایت، مثلاً ببینید الان این سند آمده محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم و عن محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان جمیعاً عن حماد بن عیسی این ابتدای سند دو تا طریق دارد عن حماد بن عیسی که از اصحاب اجماع است عن حریر بن عبد الله که از ثقات و اجلاء است عن محمد بن مسلم «قال سالت ابا عبد الله عليه السلام عن المرأة ترى الصفره فی ایامها فقال لا تصلى حتى تنقضى ایامها و ان رأت الصفره فی غیر ایامها توضوت و صلت» [7] این روایت دلالت داشت بر آن قسمت دوم فتوا که صاحب عادت وقتیه به مجرد رویت دم ترک عبادت بکند ولو با صفات حیض نباشد. روایت دوم معتبره علی بن جعفر هست سند را بخوانم عبد الله بن جعفر حمیری فی قرب الاسناد عن عبد الله بن حسن عن جده علی بن جعفر، هر روایتی که حمیری در قرب الاسناد نقل می کند معتبر است. اینجا بعضی از اعظام یک مقداری شبهه کردند در این اعتبار یک سری دارد که «فی قرب الاسناد عن عبد الله بن حسن عن جده علی بن جعفر» نوه علی بن جعفر است شبهه این است که می گویند نوه امام هست ولی توثیق درباره اش نیامده لذا بعضی ها می نویسند روایت یا خبر منتها مبنای ما در امامزاده ها این بود که اگر امامزاده تا حد دو واسطه و سه واسطه اگر معروف باشد بین مومنین و نسبت و نسبش هم صحیح و قطعی باشد قطعاً مورد اعتبار است چون این اعتبار برگرفته از اعتبار کل مومنین است اگر ما به اعتماد کل مومنین اعتماد نکنیم مشکل می شود. ما این را معتبر اعلام کردیم بعضی از اعظام این را خبر اعلام کرده است عن اخیه موسی بن جعفر «سالت عن المرأة ترى الصفره ایام طمثها کیف تصنع قال تترك بذلك الصلاه بعدد ایامها التي كانت تقعد فی طمثها» [8] این روایت هم دلالتش مثل همان روایت قبلی بود که دلالت دارد بر دو تا مطلب: ترک و مضافاً بر ترک عبادت ترک عبادت کند هر چند رویت دم با وصف حیض نباشد در حقیقت این روایت که دو تا دلالت دارد آن روایت قبلی را هم می شود بگوییم دلالت اول از ضمنش استفاده می شود. در بحث هایمان خواندیم مرسله یونس الطویل و مرسله یونس القصیره، از آنجا استفاده می کنیم که در هر دو روایت حکم رویت دم آمده است که به محض رویت دم باید عبادات را ترک کند و به احکام حیض ملتزم بشود. تا به اینجا این مطلب کامل شد روایات را ذکر کردیم به همین چهار تا روایت اکتفاء کنیم اما اصل قضیه درباره عادت وقتیه این است که اعم از این که با صفات حیض ببیند یا با صفات حیض نبیند اما در عادت عددیه گفته می شود که باید رویت دم را که داشته باشد با صفات باشد اگر با صفات نباشد باید به استظهار و احوط اعلام شد ادله و نکته ای که در اینجا دلیل می طلبد و باید بحث بکنیم این

است که فرمودند به مجرد رویت دم در خود عادت یا مقدم و موخر از عادت این دیگر با عادت جور در نمی آید ما می خواهیم عادت را معیار قرار بدهیم این مقدم و موخر چگونه به حکم عادت حمل بشود و به مجرد رویت دم مقدماً یا موخراً اجمالاً در نظر بگیریم که این مقدمه و موخر را وصل کنیم به قاعده امکان، اگر قاعده امکان اینجا وجود داشت به ضمیمه یا به برکت قاعده امکان حمل بر حیض می کنیم و احکام حیض را مترتب می کنیم اما مسئله شرح بیشتر از این دارد که ان شاء الله فردا برای شما شرح بدهم و الله هو العالم.

[1] کشف الغطاء، الشیخ جعفر کاشف الغطاء، ص 188.

[2] کتاب الطهارة، الشیخ الانصاری، ج 3، ص 197.

[3] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، السید ابوالقاسم الخوئی، ج 7، ص 175.

[4] العروه الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج 1، ص 241.

[5] المعتبر، المحقق الحلی، ج 1، ص 213.

[6] جامع المقاصد، المحقق الکرکی، ج 1، ص 330.

[7] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 540، ابواب حیض، ب 4، ح 1، ط اسلامیه.

[8] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 541، ابواب حیض، ب 4، ح 7، ط اسلامیه.